

رشد شهرگرایی و احساس تعلق محله‌ای

سید یعقوب موسوی* ، سحر صفری**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱/۱۸

چکیده

تعلق به محله نمایانگر احساس ذهنی مثبت افراد نسبت به محله مسکونی در شهر است. ادامه پیوند محله‌ای نوعی تعهد برای ساکنان نسبت به محیط سکونت و تمایل آن‌ها به حفظ رابطه با آن در طول زمان و در مراحل مختلف زندگی را موجب می‌شود. تعلق به مکان و پیامدهای فقدان آن در دهه‌های اخیر تبدیل به یکی از موضوعات مهم در حوزه مطالعات شهری شده است. پژوهش حاضر درصدد است تأثیر رشد شهرگرایی بر واقعیت احساس تعلق محله‌ای را مورد بررسی قرار دهد. در این مسیر مقوله و موضوع شهرگرایی با تأکید بر نظریه لوئیس ورث و نظریه‌های مکتب شیکاگو و نیز مفهوم و مقوله احساس تعلق محله‌ای با استفاده از نظریه‌های حس تعلق به اجتماع محله‌ای مک میلان و چاوایس، هویت مکان رلف و راتولز و نظریه سیستمیک کاساردا و جانویتز مورد استفاده قرار گرفته‌اند. احساس تعلق محله‌ای به‌عنوان متغیر

y.mousavi۹۱@alzahra.ac.ir

* دانشیار برنامه‌ریزی شهری دانشگاه الزهرا.

** دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری دانشگاه الزهرا. (نویسنده مسئول).

sahar_safari۶۹@yahoo.com

وابسته شامل ابعاد عینی، ذهنی، شناختی و احساسی می‌باشد. جامعه مورد مطالعه در این پژوهش از میان مناطق ۲۲ گانه شهرداری شهر تهران، مناطق ۲، ۱۳ و ۲۰ تعریف شده‌اند که چهار محله از محله‌های هر منطقه به صورت تصادفی و سپس بلوک‌هایی از این محله‌ها تعیین و نمونه مورد نظر به صورت تصادفی انتخاب گردید. روش اصلی تحقیق در این بررسی از نوع پیمایش بوده است. با استفاده از تکنیک پرسشنامه، داده‌ها در سطح توزیع جمعیت آماری ۳۹۱ نفر در رده سنی ۲۰ سال به بالا گردآوری شده است. در نهایت اطلاعات به دست آمده با استفاده از روش تحلیل ضرایب همبستگی، آزمون آنالیز واریانس و تحلیل رگرسیون چند متغیره مورد بررسی قرار گرفته‌اند. برخی از مهم‌ترین نتایج به دست آمده از همبستگی میان متغیرها حاکی از آن است که بین سبک زندگی شهری، گرایش به روابط گسترده در شهر و دلبستگی به مکان شهری با احساس تعلق محله‌ای، همبستگی منفی و معنادار، وجود دارد. به علاوه نتایج نشان می‌دهد که بین طول مدت اقامت و نوع مالکیت منزل مسکونی با احساس تعلق محله‌ای همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. ضمناً رابطه معناداری میان متغیرهای زمینه‌ای سن و میزان درآمد افراد مورد مطالعه با احساس تعلق آنان به محل زندگی‌شان به دست آمده است.

واژه‌های کلیدی: شهرگرایی، احساس تعلق به محله، حس مکان،

اجتماع محله‌ای

مقدمه و بیان مسئله

شهر به لحاظ نقشی که در زندگی انسان ایفا می‌کند از پدیده‌هایی است که پژوهشگران پیرامون ابعاد مختلف آن اعم از معماری شهری، جغرافیای شهری، مدیریت شهری، شهرسازی، طراحی و برنامه‌ریزی شهری، اقتصاد شهری و... به بررسی و کنکاش آن پرداخته‌اند. ما نیز در این تحقیق شهر را به عنوان یک اجتماع انسانی در مکان و از منظر جامعه‌شناختی مورد بررسی قرار داده و

شهرگرایی (شیوه زندگی شهری) و تأثیر آن بر احساس تعلق محله‌ای شهروندان را مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

روابط اجتماعی پیوسته بین اهالی محله، خرده‌فرهنگ تعامل و همیاری، حفظ حریم و حرمت‌ها، احساس مسئولیت در قبال سلامت و بهداشت فرهنگی و اجتماعی محیط برحسب سنن و ارزش‌های موجود و بسیاری از خصوصیات کارکردی دیگر، نشان‌هایی است از این باور که در گذشته محله‌های شهری در حکم الگوهای موفق تعاملات انسانی در زیست شهرهای بزرگ پیشین بوده‌اند. چنین محله‌هایی به دلیل نزدیکی مکانی اعضاء و احساس عمیق تعلق مکانی آن‌ها سبب می‌گردید تا علاوه بر ایفای نقش‌های فراوان اجتماعی، فضای موجود بین ساکنان آن‌ها توان تأمین پاره‌ای از نیازهای عاطفی و روانی ساکنان را نیز داشته باشند. در دوران اخیر با تضعیف موقعیت محله‌های شهری، بسیاری از کارکردهای اجتماعی آن نقش واقعی خود را در زندگی اجتماعی ساکنان از دست داده‌اند و باعث برهم خوردن تناسب محیط فیزیکی و اجتماعی، زوال هویت در شهر، کاهش دوستی‌ها و روابط متقابل عمیق عاطفی و درنهایت بیگانگی افراد ساکن در محله نسبت به یکدیگر شده است.

پژوهش در باب محله‌های شهری ازجمله موضوعاتی است که باوجود این که در سال‌های اخیر توسعه‌یافته است، دارای نکات و ناگفته‌هایی است که می‌تواند برای هر نوع برنامه‌ریزی شهری و محله‌ای در آینده مفید باشد. با بروز پدیده‌های اجتماعی از نوع مهاجرت‌های گسترده روستا به شهر، عدم تمایل به مشارکت بالای اجتماعی تازه‌واردان شهری و... روزبه‌روز احساس عدم تعلق و بی‌تفاوتی میان شهروندان در سطح محله‌های شهری رو به گسترش است. در این تحقیق سعی شده است تا در کنار توجه به مطالعات پیشینی که در رابطه با احساس تعلق شهروندان به محله صورت گرفته است، از

دریچه‌ای جدید این موضوع مورد توجه قرار بگیرد. امروزه شهرنشینی و شهرگرایی به صورت یک پدیده اجتماعی در کلیه جوامع مطرح می‌باشد. نیمی از مردم جهان در شهرها زندگی می‌کنند. گفته می‌شود شهرهای جهان با سرعت یک میلیون نفر در دقیقه رشد می‌کنند و این شهرها هستند که هم چنان از مناطق روستایی، مهاجر جذب می‌کنند. (شرافتی پور، ۱۳۸۷: ۴) آمارها نشان‌گر رشد جمعیت شهری ۷۴ درصدی در سال ۱۴۰۰ می‌باشد. آمارها گویای افزایش رشد جمعیت در ایران نیز می‌باشد و یکی از اثرات جمعیت شهری، بالا رفتن نرخ رشد جمعیت شهری و افزایش مسائل و آسیب‌های اجتماعی در سطح محله‌های شهری خواهد بود (شرافتی پور، ۱۳۸۷: ۴).

در ساده‌ترین تعریف از محله می‌توان گفت: محله عبارت است از خانه‌های مجاور هم در یک فضای جغرافیایی خاص که ساکنان این خانه‌ها باهم روابط شخصی و تعامل رودررو دارند و میزانی از همبستگی اجتماعی در بین آن‌ها وجود دارد. به عبارت دیگر، محله یک فضای اجتماعی - جغرافیایی است که محدود و مبتنی بر روابط اجتماعی گرم و تعاملات رودرروی همسایگان است. اگر بپذیریم که خانواده، هسته اولیه زندگی جمعی بوده و می‌باشد، تراکم و تجمع خانوارها پیرامون یکدیگر در یک واحد شناخته شده جغرافیایی، ویژگی جامعه‌شناختی نظام محله‌ها در شهر را به خوبی آشکار می‌کند. ادغام عناصر مختلف محیطی در یکدیگر منجر به تولید هویتی می‌گردد که در مرحله بعد، خود تأثیر مستقیم در رفتار، شخصیت و فرهنگ افراد دارد. بنابراین نکته مهم در مطالعه محله‌های شهری این است که محله‌های شهری واحدهای جغرافیایی فاقد معنی و کارکرد جامعه‌شناختی نمی‌باشند، بلکه بالعکس، آن‌ها در یک چالش تاریخی - اجتماعی به منظور پاسخ دادن به پاره‌ای از نیازهای مشترک افراد ساکن در شهر بوجود آمده‌اند. (مقدم، ۱۳۸۷ به نقل از موسوی).

در چند دهه گذشته، همزمان با روند رو به رشد شهرگرایی در تهران، شاهد تضعیف و از بین رفتن نهاد غیررسمی کنترل اجتماعی یعنی نظارت مردم بر مردم هستیم. این روند موجب شده، هر فردی که از هنجارهای گروهی تخطی می‌کند با سرزنش کمتری از طرف سایر افراد روبرو شود. به نظر می‌رسد با ناکارآمدی دیدگاه‌های پیشین، بایستی ریشه این مسئله را در یک تحلیل فضایی- اجتماعی دنبال کرد. چراکه با گسترده شدن شهر، تناسب فضایی و اجتماعی افراد به هم خورده و تعلق فضایی - کالبدی، که قبلاً مبنای احساس مسئولیت اجتماعی آن‌ها بوده، کمتر شده است. پیامد این مسئله، کاهش همبستگی اجتماعی و در نتیجه بی‌تفاوتی اجتماعی افراد در مواجهه با هنجارشکنی‌های اجتماعی بوده است. تحقیق حاضر ضمن مطالعه و بررسی شهرگرایی و احساس تعلق محله‌ای شهروندان تهرانی، سعی دارد با ترکیب نظریه و واقعیت اجتماعی، نتایج کاربردی را از آن استخراج کند و راهکارهای مناسب را به منظور تقویت احساس مسئولیت شهروندان و ارتقاء مشارکت اجتماعی در سطح محله‌ها ارائه نماید. حاصل آن‌که، مطالعه در این زمینه، دانش تجربی مدیران و برنامه‌ریزان شهری را در جهت تجهیز و تقویت فیزیکی و اجتماعی محله‌های شهری افزایش خواهد داد.

سؤالات تحقیق

۱. آیا رشد شهرگرایی باعث کاهش احساس تعلق محله‌ای است؟
۲. تأثیر سبک زندگی شهری بر احساس تعلق محله‌ای چگونه بررسی می‌شود؟
۳. چگونه تمایل به روابط گسترده در محیط شهری بزرگ، در احساس تعلق محله‌ای تأثیر می‌گذارد؟
۴. تأثیر عقلانیت کنش فردی در محیط شهری در احساس تعلق محله‌ای چگونه است؟

پیشینه تحقیق

تحقیقات و مطالعات متعددی در ارتباط با موضوع شهرگرایی و رابطه آن با احساس تعلق محله‌ای صورت گرفته است که می‌توان به **پایان‌نامه اعظم پاک‌خصال (۱۳۸۸)** با موضوع بررسی تأثیر شهرگرایی بر ایستارهای فرهنگی - اجتماعی شهروندان شهر تهران اشاره کرد. در این پژوهش به بررسی جامعه‌شناختی تأثیر شهرگرایی بر ایستارهای اجتماعی - فرهنگی شهروندان شهر تهران پرداخته شده است همچنین شهرگرایی با تأکید بر تئوری لوئیس ورت و نظریه‌های مکتب شیکاگو و شاخص‌های ایستارهای فرهنگی اجتماعی، از خودبیگانگی، عقلانی شدن کنش فردی، کاهش انسجام اجتماعی، کاهش پیوند عاطفی و افزایش فردگرایی با تأکید بر نظریه‌های جامعه‌شناسی چون وبر، مارکس، زیمل و نظریه‌پردازان مکتب شیکاگو مورد مطالعه قرار گرفته است. روش تحقیق در این پژوهش پیمایش و ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه می‌باشد. حجم نمونه ۳۹۰ نفر از افراد (اعم از زن و مرد) ۶۰-۲۰ ساله ساکن در پنج منطقه تهران است، که نمونه‌ها به صورت تصادفی با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شده‌اند. یافته‌های پژوهش برحسب محاسبه ضریب همبستگی پیرسون مبین وجود رابطه معنادار بین شهرگرایی و عقلانی شدن کنش فردی، کاهش انسجام اجتماعی و افزایش فردگرایی است. اما بین شهرگرایی و از خودبیگانگی فردی و کاهش پیوند عاطفی رابطه معنی‌داری یافت نشد.

پایان‌نامه سلمه نیکزاد (۱۳۹۲) با موضوع بررسی رابطه شبکه فردی و دلبستگی به محله در محله‌های تهران: با تأکید بر وسایل ارتباطی نوین، با بهره‌گیری از مدل سیستمیک کاسارداو جانویتز، دیدگاه جامعه با مسئولیت محدود میچ و مانور، نظریه میدان اجتماعی و فردگرایی شبکه ولمن به بررسی دلبستگی به محله می‌پردازد و نقش شبکه فردی و همچنین شیوه‌های ارتباطی نوین بر دلبستگی را مورد بررسی قرار

می‌دهد. در بررسی شبکه‌های فردی، پیوندهای محلی و فرامحلی مورد توجه قرار گرفته است. این تحقیق از نوع پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش را ساکنان بالای ۱۵ سال شهر تهران تشکیل می‌دهند. حجم نمونه ۳۹۱ نفر است که به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شده‌اند. سه منطقه ۳، ۱۱، ۱۸ از میان مناطق ۲۲ گانه شهر تهران و ۴ محله از هر منطقه به صورت تصادفی انتخاب شدند. بر اساس یافته‌ها دل بستگی افراد به محله در سطح متوسط می‌باشد. روابط افراد بیشتر در سطح فرامحلی است. شبکه روابط محلی فرد بر دل بستگی به محله تأثیر دارد اما روابط فرامحلی مؤثر نمی‌باشد. بررسی نتایج پژوهش در زمینه نقش وسایل ارتباطی نوین نشان می‌دهد که بین تماس اینترنتی افراد با دل بستگی به محله رابطه معناداری وجود ندارد. بین متغیرهای زمینه‌ای، سن، درآمد ماهیانه خانواده و مدت اقامت فرد در محله با وابستگی به محله رابطه مثبت و معناداری وجود داشته است.

همچنین می‌توان به مقاله یعقوب موسوی (۱۳۸۱) با موضوع پدیده همبستگی اجتماعی در کلان‌شهرها، مقاله ندا رفیع زاده (۱۳۸۳) با موضوع بررسی تعلق اجتماعی در گروه‌های سنی ساکن در محلات تهران، مقاله احمد نادری و ابراهیم شیرعلی (۱۳۹۳)، با عنوان بررسی حس تعلق محله‌ای و نقش آن در مشارکت اجتماعی نمونه موردی: محله نعمت‌آباد و هم‌چنین مقاله سوسن باستانی (۱۳۸۷) با موضوع بررسی سرمایه اجتماعی شبکه در ۱۰ محله تهران: بررسی جایگاه روابط محلی در شبکه‌های اجتماعی اشاره کرد که در این زمینه به مطالعه و بررسی موضوع مشابه پرداخته‌اند.

تعریف مفاهیم کلیدی تحقیق

مفهوم شهرگرایی^۱

شهرگرایی را می‌توان از شیوه زندگی ساکنان شهر تشخیص داد. میزان جمعیت، تراکم جمعیت و ناهمگنی جمعیت در یک حوزه شهری، در روابط میان افراد و افزایش شرایط تفکیک مردم مؤثر است و در نهایت به «جدایی‌گزینی» گروه‌های مردم در شهر می‌انجامد. این تفسیر از شهرگرایی به تعریف لوئیس ورت که شهر را به‌عنوان محل شیوه زندگی خاص می‌شناسد، بسیار نزدیک است. می‌توان گفت شهرگرایی با تغییراتی در ارزش‌ها، رسوم و رفتارهای جمعیتی همراه است. معنایی که از مفهوم شهرگرایی در این تحقیق مدنظر است، معنای جامعه‌شناختی است که در اینجا با عنوان «شیوه زندگی» از آن نام‌برده شده است و دیگر معانی شهرگرایی خارج از حوزه جامعه‌شناسی هستند. گوتدینر و بود شهرگرایی را یک شیوه زندگی می‌دانند که با صفات تراکم، تنوع و سازمان اجتماعی پیچیده مشخص می‌شود. آن‌ها می‌گویند که این اصطلاح، امروزه اغلب به معنی فرهنگ شهرهاست (Gottdiener & Budd, ۲۰۰۵: ۱۸۶).

ورت معتقد است که «شهرگرایی تنها به روند جذب شدن افراد گوناگون به مکان‌های تجمع و سکونت در شهر اطلاق نمی‌شود؛ این مفهوم همچنین گویای تمرکز نمودهای شیوه‌های خاصی از زندگی است که به موازات رشد شهرها صورت می‌گیرد و سرانجام به تغییراتی در شیوه زندگی شهری اطلاق می‌گردد که در میان مردم آشکار و برجسته هستند و این شیوه از طریق مؤسسات و نهادهای شهری و به کمک وسایل حمل‌ونقل و ارتباطی به سایر فضاها نیز راه‌یافته و هرروز افراد بیشتری را تابع شیوه شهری می‌سازد» (Wirth, ۱۹۳۸: ۵). تعاریف دیگر شهرگرایی شاید با تعاریف یادشده تا حدودی متفاوت باشند، از برآیند تعاریف مختلف از شهرگرایی می‌توان چنین استنباط کرد که شهرگرایی عاملی روانی است که در گرایش روستاییان به شهر تأثیر

۱. Urbanism

داشته و جاذبه‌های شهری، روستاها را از جمعیت خالی کرده و مردم را به سوی زندگی در شهر سوق می‌دهد. منظور از شهرنشینی گرایش روزافزون انسان‌ها به شهر، تراکم انسان‌ها در فضاهایی محدود و تولد شهرهایی بزرگ در قرون جدید است که شیوه‌ای خاص در زندگی انسان پدید می‌آورد. در مورد شهرنشینی مکتب شیکاگو^۱ و جامعه‌شناسانی چون لوئیس ورت در مقاله (شهرنشینی به‌عنوان شیوه‌ای در زندگی) و هانری پیرن در اثر برجسته‌اش به نام (شهر در قرون وسطی) و البته با تأکید بر دیدگاه تاریخی و بزرگانی چون زیمل^۲، سوروکین^۳، پارک^۴ و گیدنز^۵ در آثار خود مباحث مهمی در همین رابطه مطرح نموده‌اند، آن‌ها معتقدند شهرگرایی به‌عنوان شیوه زندگی شهری در حوزه رفتارها و روابط اجتماعی دربردارنده جایگزینی روابط ثانوی با اولیه، گمنامی، بیگانگی و انزوا، غیرشخصی شدن، جایگزینی عقلانیت با احساسات و عاطفه، بی‌تفاوتی (دل‌زدگی)، کنترل اجتماعی رسمی، آزادی شخصی و مواردی نظیر آن است (صدیق سروستانی، ۱۳۶۹).

حس تعلق محله‌ای^۶

قاسمی (۱۳۸۳) شرایط هویت‌مندی یک محله را تعلق مکانی ساکنان محله به محیط زندگی، خاطرات جمعی از محله و موضوعاتی از قبیل حس آسایش، امنیت، آرامش، خودمانی بودن، حس تعلق به مکان و امکان ایجاد تعاملات اجتماعی میان ساکنان برمی‌شمرد (قاسمی، ۱۳۸۳: ۱۲۸-۱۲۷).

۱. Chicago School

۲. Simmel

۳. Sorokin

۴. Park

۵. Giddens

۶. Neighborhood sense

پاکزاد، بخشی از شخصیت وجودی هر انسان که هویت فردی او را می‌سازد، مکانی می‌داند که خود را با آن می‌شناسد و به دیگران می‌شناساند. او معتقد است انسان هنگامی که درباره خود فکر می‌کند، خود را متصل به مکانی می‌داند که در آن زیست می‌کند و آن مکان را بخشی از خود می‌شمارد، میان فرد و زندگی‌اش رابطه‌ای عمیق وجود دارد که پاکزاد از این رابطه با «به خود همانی با فضا» تعبیر می‌کند (پاکزاد، ۱۳۷۵: ۱۰۴).

آموس راپاپورت محله را به‌عنوان شاکله هویتی و معنا بخشی به مکان‌های شهری می‌داند. وی نخستین کسی است که محله را به‌عنوان ابزاری توصیف می‌کند که شهروندان با استفاده از آن می‌توانند هویت خود را بازابند (به نقل از کاشانی جو و فتح‌العلومی، ۱۳۹۱: ۴۸).

مک میلان حس تعلق محله‌ای را «روحیه‌ای از تعلق داشتن به همدیگر، احساسی از وجود یک ساختار قدرت مورد اعتماد در محله، آگاهی فراگیر، منفعت دوسویه‌ای که از باهم بودن ناشی می‌شود و تعاملی که از برداشتن تجربه‌های مشترک شکل می‌گیرد معرفی کرده است (زمردیان، ۱۳۹۱: ۸۰).

واکاوی نظری تحقیق

موضوع دل‌بستگی به اجتماع محلی (واحدهای همسایگی) ریشه‌های عمیق در سنت نظری مربوط به اجتماع و مباحث جامعه‌شناسی شهری دارد. در واقع توجه به دل‌بستگی نسبت به اجتماع و احساس یا تمایل محلی ارتباط نزدیکی با مسئله مرکزی رشته جامعه‌شناسی دارد (Humman, ۱۹۹۲: ۲۵۶).

از جمله نظریه‌پردازان مقوله حس تعلق اجتماع محله‌ای مک میلان و چاوایس هستند. آن‌ها چهار مؤلفه برای این مفهوم بیان می‌دارند که از میان آن‌ها مفهوم عضویت و مشارکت اشاره به این امر دارد که در اولین قدم اگر

فردی احساس عضویت و پیوستگی با اجتماع محله‌ای داشته باشد و سرنوشت و شرایط زندگی خود را در گستره محله‌ای که در آن عضویت دارد، ارزیابی و درک کند، احتمال مشارکت بیشتری در کنش‌های جمعی محله خواهد داشت و به دنبال آن احساس تعلق بیشتری به دست می‌آورد. پیوندهای عاطفی شاید احساسی‌ترین و روانشناختی‌ترین مؤلفه در بین چهار مؤلفه حس تعلق به اجتماع محله‌ای باشد. پیوندهای عاطفی باعث اتصال فرد به اجتماع محله‌ای و محیط اطراف خود می‌شود و این اتصال و یگانگی به کنش‌های او معنا می‌دهد. در واقع گزینه پیوندهای عاطفی به ساده‌ترین شکل ممکن بیان می‌دارد که اگر فردی، محله‌ای را که در آن زندگی می‌کند به لحاظ عاطفی دوست داشته باشد، احساس تعلق بیشتری خواهد داشت. (رهنما و رضوی، ۱۳۹۱: ۳۳۶).

رلف (۱۳۸۹) با بیان ارتباط ادراک با تجربه از مکان، اعتقاد دارد که در حس مکان، انسان‌ها مفهومی فراتر از خصوصیات کالبدی و عناصر کالبدی در یک مکان را درک می‌کنند و به‌نوعی، پیوستگی و ارتباط ممتد با روح مکان را احساس می‌نمایند. وی با بیان این امر به ارتباط اساسی و جدایی‌ناپذیر مفهوم حس مکان با جنبه‌های انسانی اشاره داشته و اعلام می‌دارد آنچه که یک فضا را به یک مکان اعتلا می‌بخشد، آغشته شدن آن با معانی و مفاهیم عمیق است که در طول زمان گسترش و عمق پیدا می‌کند. از این‌رو مکان مورد نظر در تعریف رلف ممکن است که عمده‌تاً به بعد ناآگاهانه و ادراکی در لایه‌های خاموش تجربه افراد دلالت دارد که از آن به وابستگی و حس تعلق تعبیر می‌شود که حس توأم با عاطفه در مکان می‌باشد. مکان در این حس به‌صورت ریشه‌دار تجربه می‌شود و لایه‌های مختلف اجتماعی - فرهنگی را نیز در برمی‌گیرد. رلف از این حس به‌عنوان نقطه امن اتکایی فرد از دنیای اطراف

خود اشاره می‌کند و تعلق مهم روحی - روانی فرد به مکان خاص را نتیجه این احساس بیان می‌کند. (موسوی، ۱۳۸۸: ۶۵).

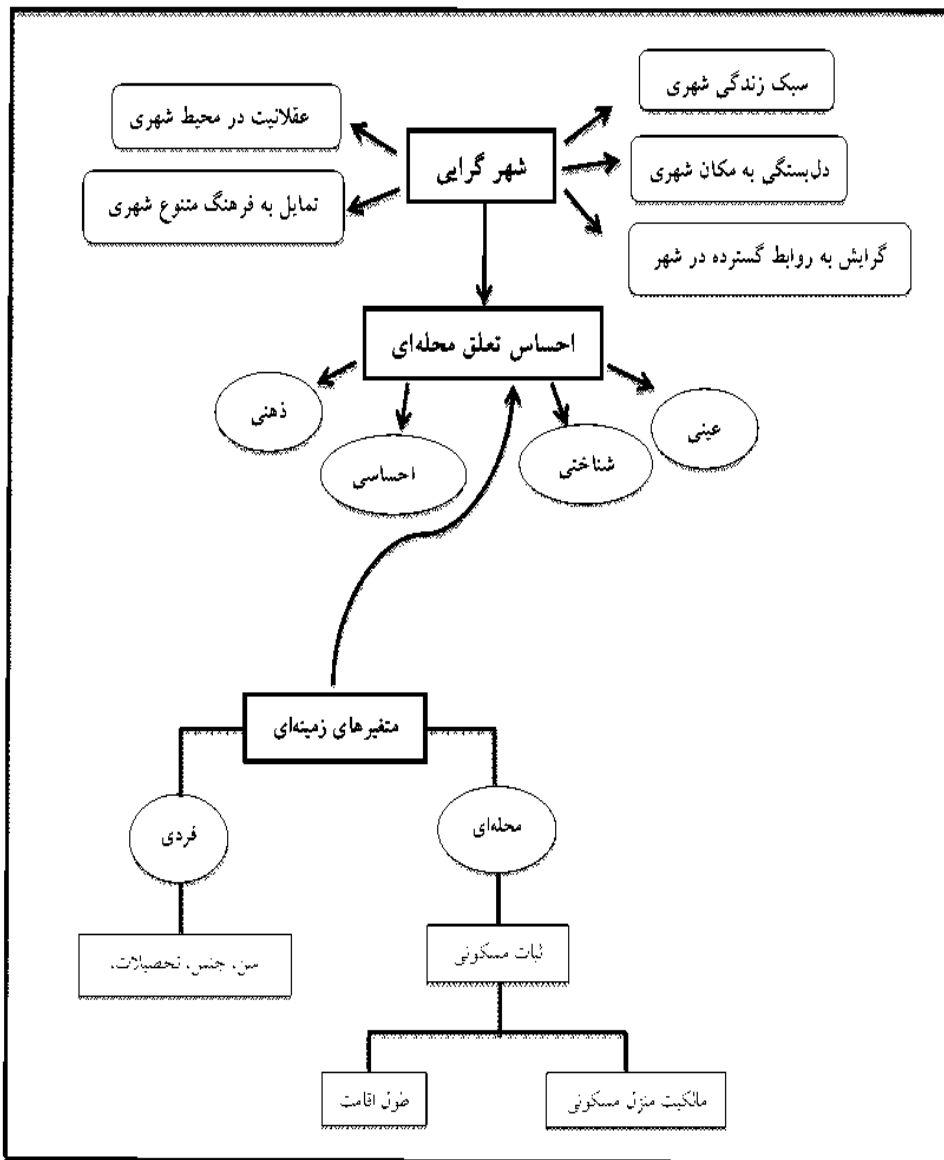
در ادبیات دلبستگی به اجتماع از الگوی تئوریک کاساردا و جانویتز (۱۹۷۴) بانام "الگوی سیستمیک" بسیار استفاده شده است. از دیدگاه الگوی سیستمیک دلبستگی به اجتماع به واسطه پیوستگی قوی با تعاملات اجتماعی به وجود می‌آید که در طول زمان با وابستگی‌های میان فردی و شبکه‌های اجتماعی محلی توسعه می‌یابد. بر اساس این الگو، دلبستگی به اجتماع سه بُعد دارد: ۱) بُعد فردی (یا شبکه‌ای)، ۲) بُعد مشارکتی، ۳) بُعد احساسی (عاطفی). بُعد فردی، به درجه پیوند و روابط با دوستان و خویشاوندان متمرکز در اجتماع محلی و گستردگی روابط در جامعه محلی اشاره دارد. بُعد مشارکتی، چگونگی مشارکت پاسخگویان در سازمان‌های اجتماعی رسمی و بهره‌برداری از پیوندهای محلی را بیان می‌کند و بُعد عاطفی، احساسات مثبت نسبت به اجتماع محلی را دربرمی‌گیرد.

لوئیس ورث در مقاله معروف خود شهرگرایی به‌عنوان شیوه‌ای جدید از زندگی، تعریفی جدید و جامع‌تر از شهر نسبت به اندیشمندان قبل از خود ارائه داد: «جایگاه نسبتاً بزرگ، متراکم و دائمی افرادی که به لحاظ اجتماعی و فرهنگی ناهمگون‌اند» (ورث، ۱۹۳۸: ۳۴۲).

ورث مقاله خود را با سه فرضیه آغاز می‌کند که قضیه‌های دیگر از آن‌ها اشتقاق پیدا می‌کنند: بزرگی، تراکم، ناهمگونی. این سه مفهوم خصایص اصلی شهر در نظر گرفته می‌شوند. دو مفهوم اول بوم‌شناختی هستند و مفهوم سوم جامعه‌شناختی است که از دو مفهوم اول استنتاج می‌شود. بزرگی یک جامعه باعث افزایش تنوع در جمعیت می‌شود. هر قدر جمعیت بزرگ‌تر باشد جدایی‌های فضایی بر مبنای نژاد، قوم و منزلت بیشتر خواهد شد. جدایی‌های فضایی در شهر باعث سست شدن پیوندهای همسایگی و احساساتی می‌شود

که جوامع کوچک از آن برخوردارند. ضعیف شدن این پیوندها باعث تقویت رقابت و ضرورت حضور نظارت رسمی می‌گردد. ورث معتقد است: «میزان شهری بودن دنیای معاصر را نمی‌توان کاملاً یا یقیناً با نسبت کل جمعیتی سنجید که در شهرها زندگی می‌کنند. تأثیری که شهرها بر زندگی اجتماعی آدمی وارد می‌آورند فراتر از چیزی است که نسبت جمعیت شهری گواه آن است، زیرا شهر نه تنها به نحوه فزاینده‌ای محل سکونت و کار انسان مدرن است، بلکه مرکز شکل‌گیری و کنترل زندگی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است که دوردست‌ترین اجتماعات جهان را در مدار خویش قرار داده و مناطق و مردمان و فعالیت‌های گوناگون را در کهکشان واحدی به هم بافته است» (Rissman, ۱۹۷۰: ۴۰).

شکل ۱- الگوی تحلیلی*



* تهیه شده توسط نگارندگان

فرضیات تحقیق

- ۱- به نظر می‌رسد بین شهرگرایی و احساس تعلق محله‌ای رابطه وجود دارد.
- ۲- به نظر می‌رسد بین سبک زندگی شهری و احساس تعلق محله‌ای رابطه وجود دارد.
- ۳- به نظر می‌رسد بین گرایش به روابط گسترده در شهر و احساس تعلق محله‌ای رابطه وجود دارد.
- ۴- به نظر می‌رسد بین عقلانی شدن کنش افراد در محیط شهری و احساس تعلق محله‌ای رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

روش این پژوهش از نوع پیمایش و برای جمع‌آوری داده‌های لازم، از پرسشنامه همراه با گفتگوی رودررو استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق افراد ۲۰ تا ۶۰ ساله شهر تهران (اعم از زن و مرد) تعریف شده‌اند که دست کم مدت ۲۰ سال سابقه زندگی در شهر تهران دارند. به دلیل این که این امکان وجود نداشت که داده‌های مورد نیاز از همه افراد جامعه آماری گردآوری شود، بر اساس اصول نمونه‌گیری، نمونه‌ای از جامعه آماری انتخاب شد. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران محاسبه شده است. در این مطالعه نیز از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده شده است. از آنجایی که نمونه انتخابی این تحقیق ۳۸۴ نفر در شهر تهران انتخاب شدند، این رقم کمتر از تعداد بلوک‌های انتخاب شده در شهر تهران است، پس محقق برای جلوگیری از پراکندگی زیاد نمونه‌ها در تمام نقاط شهر و تجمیع آنان در چند نقطه مشخص، به منظور ایجاد امکان جمع‌بندی و نتیجه‌گیری منطقه‌ای، مناطق ۲۲ گانه شهر تهران را در سه منطقه کاهش داد. ابتدا با استناد به تقسیم‌بندی عبدی (۱۳۸۸) مناطق ۲۲ گانه شهر تهران در ده خوشه قرار گرفته است، در این پژوهش منطقه دو از خوشه ۹ و ۱۰ و به نمایندگی از طبقات

بالا، منطقه سیزده از خوشه ۵ و ۶ و به نمایندگی از طبقات متوسط و منطقه ۲۰ از خوشه ۱ و ۲ و به نمایندگی از طبقات پایین به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند. پس از این با توجه به حجم نمونه، سهم هر یک از مناطق متناسب با حجم شان محاسبه گردید که بر اساس آن ۱۰۰، ۱۳۰، ۱۵۴ نمونه به ترتیب برای مناطق ۲، ۱۳ و ۲۰ در نظر گرفته شده است. پس از تعیین مناطق، از هر منطقه ۴ محله به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند و سهم هر یک از این محلات با توجه به سهم مناطق در نمونه مشخص گردید. نهایتاً بعد از مشخص شدن محلات، خیابان‌های اصلی و فرعی و کوچه‌ها به صورت تصادفی انتخاب گردید و با مراجعه به درب منازل، پرسشنامه‌هایی با فردی از افراد خانواده که به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند، تکمیل گردید (زن یا مرد بودن متغیر می‌باشد). اگر فرد مورد نظر در آن منزل حاضر به پاسخگویی نبود به منزل دیگر که به صورت تصادفی انتخاب شده، مراجعه شده است. لازم به ذکر می‌باشد که داده‌ها در نهایت بر اساس اطلاعات به دست آمده از ۳۹۱ پاسخگو مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته‌اند.

جدول ۱- تعریف عملیاتی احساس تعلق محله‌ای*

متغیر وابسته	ابعاد	شاخص‌ها	گویه‌ها
احساس تعلق محله‌ای	شناختی	شناخت از محله	شناخت کاملی از محله ندارم و برایم اهمیت ندارد / زندگی در این محله یا هر محله دیگر، چندان تأثیری برای من ندارد.
		درک هویتی محله	هویت خودم را مدیون زندگی در شهر هستم نه محله‌ام / دوره محله گرایی و بچه‌محله‌ای گذشته است.

حس تعلق	احساسی	حس مکان در محله	در صورت امکان تصمیم به جا به جایی و نقل مکان به محله دیگر را دارم / فرصت توجه به حوادث و وقایعی که در محله‌ام اتفاق می‌افتد را ندارم/ بودن نبود این محله برایم تفاوتی ندارد/ هیچ وابستگی خاص جمعی و رفاهی نسبت به محله‌ام ندارم.
	ذهنی	تصویر ادراکی از محله	از این که خودم را اهل این محل معرفی کنم احساس غرور دارم/ برای من مهم نیست که چه کسی در محله‌ام زندگی می‌کند.
		قضاوت ارزشی محله	احساس می‌کنم محله‌ام در چشم‌انداز دیگران در سطح مطلوبی ارزیابی نمی‌شود/ من این محله را به‌عنوان یک مکان برای زندگی توصیه نمی‌کنم/
	عینی	مشارکت و تعامل در محله	میزان مشارکت در جلسات رسمی و غیررسمی حل مسائل محلی/ میزان شرکت در مراسم‌های شادی و عزاداری همسایگان/ روابط با همسایگان.
		تجربه زندگی در محله	از امکانات تفریحی و سرگرمی در محله‌ام راضی نیستم/ از خدمات نظافتی و پاکیزگی این محله راضی نیستم/ ترجیح می‌دهم بیشتر وقتم را خارج از فضای محله بگذرانم.

* ساخته شده توسط نگارندگان

جدول ۲- تعریف عملیاتی شهرگرایی*

متغیر مستقل	ابعاد	شاخص‌ها	گویه‌ها
شهرگرایی	سبک زندگی شهری	تنوع‌طلبی در خوراک و پوشاک	من دوست دارم که از غذاهای متنوع بیرون از منزل و در سطح شهر استفاده کنم / به این علت شهر را دوست دارم که به من آزادی در انتخاب لباس و به‌طورکلی سبک زندگی‌ام را می‌دهد.
		مصرف‌گرایی و نوگرایی	رفتن به فروشگاه‌های بزرگ و خرید از پاساژهای لوکس و مراکز مد در مراکز شهر برای من لذت‌بخش است.
	گرایش به روابط گسترده در شهر	تعدد روابط غیررسمی	من ترجیح می‌دهم با افرادی که در موقعیت‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی در شهر هستند ارتباط دوستانه داشته باشم / از ملاقات با طبقات مختلف اجتماعی در شهر احساس لذت می‌کنم.
		گوناگونی روابط	یکی از مزیت‌های زندگی در شهر آشنا شدن با افراد و گروه‌های اجتماعی مختلف است. / من روابط خودم را تنها به محیط کار و خانواده محدود نمی‌کنم.
	تمایل به فرهنگ متنوع شهری	تنوع در ارزش‌ها	در شهر افراد دارای ارزش‌ها و عقاید مختلف‌اند.

<p>ترجیح می‌دهم در شهر اول خواسته‌ها و نیازهای خودم را تأمین کنم/ افراد در محیط شهری بر اساس منافع شخصی خود باهم در ارتباط‌اند.</p>	<p>ارجحیت منافع شخصی</p>	<p>عقلانیت در محیط شهری</p>
<p>در شهر برای دستیابی به اهداف باید عقلانی و حسابگرانه رفتار کرد/ محاسبه‌گری و در نظر گرفتن نفع اقتصادی در روابط با سایرین یکی از شرایط زندگی در شهر است..</p>	<p>انتخاب‌های عقلانی</p>	
<p>من برای فضاهای مدرن شهری (پل‌ها، اتوبان‌ها و ...) که در آن زندگی می‌کنم، ارزش بسیاری قائل هستم/ برج میلاد و میدان شهیاد نماد توسعه و معماری مدرن شهر تهران هستند.</p>	<p>معماری شهری</p>	<p>علاقه به فضای مدرن شهر</p>
<p>یکی از جاذبه‌های محیط شهری ساختمان‌های مرتفع و مدرن است/ محیط شهری برایم جاذبه دارد زیرا فرصت‌های اجتماعی دلخواهم را پیش روی من قرار می‌دهد.</p>	<p>جاذبه‌های محیط شهری</p>	

* تهیه شده توسط نگارندگان

یافته‌های پژوهش

ویژگی‌های جمعیتی پاسخگویان

از مجموع ۳۹۱ پرسشنامه گردآوری شده، ویژگی‌های جمعیتی پاسخگویان نشان از آن دارد که بازه سن پاسخگویان حداقل ۲۰ تا ۶۱ سال می‌باشد. با میانگین سنی ۳۸ سال، گروه سنی ۳۰ تا ۴۰ سال دارای بیشترین فراوانی هستند. ۴۹ درصد از پاسخگویان زن و ۵۱ درصد آن‌ها مرد هستند. ۵۴.۷ درصد پاسخگویان متأهل، ۳۲.۷ درصد آن‌ها مجرد، ۷.۴ درصد نیز مطلقه و در نهایت ۵.۱ درصد از آن‌ها جدا از همسر به دلیل فوت وی می‌باشند. بیشترین حجم نمونه به افراد کاسب با ۲۵ درصد اختصاص یافته است. در رتبه بعدی افراد کارمند و در نهایت افراد خانه‌دار با ۱۹.۹ درصد در جایگاه سوم قرار گرفته‌اند. بالاترین فراوانی در خصوص میزان تحصیلات به ترتیب به سطح دیپلم و لیسانس با ۲۳.۸ درصد، فوق‌دیپلم با ۲۱ درصد، زیر دیپلم با ۱۲.۳ درصد، فوق‌لیسانس با ۱۱.۸ درصد، دکتری و بالاتر با ۴.۱ درصد، سواد قرآنی با ۱.۸ درصد و سواد حوزوی با ۱.۵ درصد اختصاص دارد. درآمد ماهیانه خانوار پاسخ‌گویان از کمتر از ۵۰۰ هزار تومان تا بیش از دو میلیون تومان در نوسان بود و درآمد بیش از دو میلیون تومان با ۳۹.۱ درصد در صدر هزینه ماهانه خانوار بیان شده است. مدت اقامت ۱۱ تا ۲۰ سال و ۲۱ تا ۳۰ سال با درصدهای ۳۵ و ۳۶.۱ دارای بیشترین فراوانی‌اند. همچنین مشخص گردید که ۶۷.۳ درصد پاسخ‌گویان نوع مالکیت منزل مسکونی‌شان، ملکی-شخصی است. رتبه بعدی با ۲۷.۹ درصد به رهن یا اجاره و در نهایت ۴.۳ درصد به خانه‌های سازمانی اختصاص دارد. به‌طور کلی میانگین متغیرهای شهرگرایی، عقلانی شدن کنش افراد در محیط شهری و گرایش به روابط گسترده در شهر، از میانگین فرضی بالاتر است و از وضعیت مطلوبی برخوردار می‌باشد اما میانگین متغیرهای احساس تعلق محله‌ای و مشارکت و تعامل در محله، کمتر از میانگین بوده و از وضعیت مطلوبی برخوردار نمی‌باشد.

آزمون فرضیات تحقیق

با توجه به نرمال بودن توزیع داده‌های متغیرهای تحقیق از ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه بین متغیرها استفاده می‌شود.

• رابطه شهرگرایی و احساس تعلق محله‌ای

جدول ۳- ضریب همبستگی پیرسون بین شهرگرایی و احساس تعلق محله‌ای

متغیر	آماره	احساس تعلق محله‌ای
شهرگرایی	ضریب همبستگی	$-0/252^{**}$
	سطح معنی‌داری (sig)	$0/001$

نتایج جدول ۳، حاصل از آزمون پیرسون حاکی از آن است که بین شهرگرایی با احساس تعلق محله‌ای ($r = -0/252$ ، $p = 0/001$) رابطه منفی معنی‌داری وجود دارد و فرض صفر رد می‌شود. با توجه به این که سطح معناداری به دست آمده از $0/05$ کوچک‌تر می‌باشد می‌توان با سطح اطمینان $95/0$ گفت که این رابطه معنادار است. همچنین، با توجه به عدد ضریب همبستگی ($r = -0/252$) می‌توان گفت که این رابطه قوی می‌باشد.

• رابطه بین سبک زندگی شهری و احساس تعلق محله‌ای

جدول ۴- ضریب همبستگی پیرسون بین سبک زندگی شهری و احساس تعلق محله‌ای

متغیر	آماره	احساس تعلق محله‌ای
سبک زندگی شهری	ضریب همبستگی	$-0/176^{**}$
	سطح معنی‌داری (sig)	$0/001$

نتایج جدول ۴، حاصل از آزمون پیرسون حاکی از آن است که بین سبک زندگی شهری با احساس تعلق محله‌ای ($r = -0/176$ ، $p = 0/001$) رابطه منفی معنی‌داری وجود دارد و فرض صفر رد می‌شود. با توجه به این که سطح معناداری به دست آمده از $0/05$ کوچک‌تر می‌باشد می‌توان با سطح اطمینان $95/0$ گفت که این رابطه معنادار است. همچنین، با توجه به عدد ضریب همبستگی ($r = -0/176$) می‌توان گفت که این رابطه شدید دیده می‌شود.

• رابطه بین گرایش به روابط گسترده در شهر و احساس تعلق محله‌ای
جدول ۵- ضریب همبستگی پیرسون بین گرایش به روابط گسترده در شهر و احساس تعلق محله‌ای

متغیر	آماره	احساس تعلق محله‌ای
گرایش به روابط گسترده در شهر	ضریب همبستگی	$-0/185^{**}$
	سطح معنی‌داری (sig)	$0/001$

نتایج جدول ۵، حاصل از آزمون پیرسون حاکی از آن است که بین گرایش به روابط گسترده در شهر با احساس تعلق محله‌ای ($r = -0/185$ ، $p = 0/001$) رابطه منفی معنی‌داری وجود دارد و فرض صفر رد می‌شود. با توجه به این که سطح معناداری به دست آمده از $0/05$ کوچک‌تر می‌باشد می‌توان با سطح اطمینان $95/0$ گفت که این رابطه معنادار است. همچنین، با توجه به عدد ضریب همبستگی ($r = -0/185$) می‌توان گفت که این رابطه قوی می‌باشد.

• رابطه بین عقلانی شدن کنش افراد در محیط شهری و احساس تعلق محله‌ای

جدول ۶. ضریب همبستگی پیرسون بین کنش افراد در محیط شهری و احساس تعلق محله‌ای

متغیر	آماره	احساس تعلق محله‌ای
عقلانی شدن کنش افراد در محیط شهری	ضریب همبستگی	۰/۰۱۲
	سطح معنی‌داری (sig)	۰/۸۰۷

نتایج جدول ۶، حاصل از آزمون پیرسون حاکی از آن است که بین عقلانی شدن کنش افراد در محیط شهری با احساس تعلق محله‌ای ($r=0/012$ ، $p=0/807$) رابطه معنی‌داری وجود ندارد و فرض صفر رد می‌شود. با توجه به این که سطح معناداری از ۰/۰۵ بزرگ‌تر می‌باشد بنابراین رابطه معنادار نیست. هم‌چنین با توجه به این عدد ضریب همبستگی به صفر نزدیک‌تر هست می‌توان با سطح اطمینان ۹۵٪ گفت که این رابطه معنادار نیست.

• رابطه بین دل‌بستگی به مکان شهری و احساس تعلق محله

جدول ۷. ضریب همبستگی پیرسون بین دل‌بستگی به مکان شهری و احساس تعلق محله‌ای

متغیر	آماره	احساس تعلق محله‌ای
دل‌بستگی به مکان شهری	ضریب همبستگی	۰/۲۳۷ - **
	سطح معنی‌داری (sig)	۰/۰۰۱

نتایج جدول ۷، حاصل از آزمون پیرسون حاکی از آن است که بین دل‌بستگی به مکان شهری با احساس تعلق محله‌ای ($r=-0/237$ ، $p=0/001$) رابطه منفی معنی‌داری

وجود دارد و فرض صفر رد می‌شود. با توجه به این که سطح معناداری به دست آمده از ۰۰۵/۰ کوچک‌تر می‌باشد می‌توان با سطح اطمینان ۹۵٪ گفت که این رابطه معنادار است. همچنین، با توجه به عدد ضریب همبستگی ($r = -0/237$) می‌توان گفت که این رابطه قوی می‌باشد.

تحلیل رگرسیون چند متغیره

هرچند آزمون‌های دو متغیره که برای سنجش صحت و سقم فرضیات مورد استفاده پژوهش، ضروری می‌نماید، اما به منظور دستیابی به تصویر روشن‌تری از عوامل مؤثر بر احساس تعلق محله‌ای، مبادرت به انجام تحلیل رگرسیون چندگانه می‌شود. برای تحلیل رگرسیونی چندگانه چند روش وجود دارد که در پژوهش حاضر از روش گام‌به‌گام استفاده می‌شود. در این روش ابتدا متغیری که بیشترین همبستگی را با متغیر وابسته دارد وارد معادله می‌شود. دومین متغیری که وارد معادله می‌شود، متغیری است که پس از تفکیک متغیر قبل، بیشترین افزایش را در واریانس تبیین شده دارد.

جدول ۸- آمار خلاصه مدل رگرسیون

مدل	مقدار همبستگی	مجذوب r	مجذوب r تعدیل شده	انحراف معیار برآورد	دوربین واتسون
گام‌به‌گام	۰/۲۸۸	۰/۰۸۳	۰/۰۷۶	۰/۴۲	۱/۱۹

با توجه به مقدار ضریب همبستگی چندگانه ۰/۲۸۸، ضریب تعیین به دست آمده $R^2 = 0/083$ و دوربین واتسون ۱/۱۹ حاصل از جدول ۸ مشاهده می‌شود که مدل مورد نظر، قابلیت تبیین ۲۸٪ تغییرات احساس تعلق محله‌ای را بر اساس سبک زندگی شهری، دلبستگی به مکان شهری و گرایش به روابط گسترده در شهر را دارا است.

جدول ۹- تحلیل واریانس مدل رگرسیونی

سطح معناداری (sig)	F	میانگین مربعات	df	مجموع مربعات	مدل	
۰.۰۰۱	۱۱.۶۳۵	۲.۱۴۳	۳	۶.۴۲۹	رگرسیون	گام به گام
		۰.۱۸۴	۳۸۷	۷۱.۱۷۴	باقی مانده	
			۳۹۰	۷۷.۶۰۴	مجموع	

متغیر مستقل (a): سبک زندگی شهری، دلبستگی به مکان شهری و گرایش به روابط گسترده

متغیر وابسته (d): احساس تعلق محله‌ای با توجه به مقدار آماره F جدول تحلیل واریانس $F = ۱۱/۶۳$ با درجه آزادی (۳ و ۳۸۷) با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱ و مقایسه این سطح معنی‌داری با $sig = ۰/۰۵$ در جدول ۹، مشاهده می‌شود که مدل رگرسیون همزمان آزمون مناسبی جهت تشخیص فرضیه صفر مبنی بر عدم تأثیر سبک زندگی شهری، دلبستگی به مکان شهری و گرایش به روابط گسترده بر تغییرات احساس تعلق محله‌ای است.

جدول ۱۰- ضرایب رگرسیون مربوط به مدل رگرسیونی

سطح معناداری (sig)	t	ضرایب استاندارد شده		متغیرها
		بتا	انحراف معیار برآورد B	
۰.۰۰۱	۱۱.۲۷۵		۰.۱۷۲	ثابت
۰.۰۰۱	-۳.۲۶۳	-۰.۱۷۲	۰.۰۳۴	دلبستگی به مکان شهری
۰.۰۱۸	-۲.۳۷۶	-۰.۱۱۹	۰.۰۳۲	سبک زندگی شهری
۰.۰۲۷	-۲.۲۱۸	-۰.۱۱۴	۰.۰۳۴	گرایش به روابط گسترده در شهر
متغیر وابسته: احساس تعلق محله‌ای				

جدول ۱۱- متغیرهای حذف شده

مدل گام به گام	Beta In	t	Sig.	ضریب همبستگی جزئی
عقلانی شدن کنش افراد در محیط شهری	-۰.۰۷۴	-۱.۴۶۷	۰.۱۴۳	-۰.۰۷۴

همچنین بر اساس ضرایب استاندارد شده رگرسیونی (ضرایب تحلیل مسیر) جدول ۱۰، و سطح معناداری (sig) کمتر از ۰/۰۵ مشاهده می‌شود که دل بستگی به مکان شهری (B = ۰/۱۷)، سبک زندگی شهری (B = ۰/۱۱) و گرایش به روابط گسترده در شهر (B = ۰/۱۱) پیش‌بینی کننده‌های معنی‌دار احساس تعلق محله‌ای هستند و به ازای افزایش یک واحد دل بستگی به مکان شهری، ۰/۱۷ احساس تعلق محله‌ای کاهش می‌یابد و به ازای افزایش یک واحد سبک زندگی شهری، ۰/۱۱ و به ازای افزایش یک واحد گرایش به روابط گسترده در شهر، ۰/۱۱ احساس تعلق محله‌ای کاهش می‌یابد. همچنین جدول ۱۱ متغیرهای حذف شده به علت همبستگی پایین را نمایش می‌دهد.

معادله خط رگرسیون حاصل به صورت زیر است.

$$\text{احساس تعلق محله‌ای} = ۱/۹۳۸ + (-۰/۰۷۶) * \text{گرایش به روابط گسترده در شهر} + (-۰/۰۷۶) * \text{سبک زندگی شهری} - (-۰/۱۱۱) * \text{دل بستگی به مکان شهری}$$

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه به دلیل توده‌وار شدن جمعیت‌ها در شهرهای بزرگ، پیوند فرد با مکان روبه‌زوال است و احساس تعلق و مسئولیت فرد نسبت به مکان بیرون از منزل، کاهش یافته است. ما در یک فضای خاص متولد می‌شویم، درون آن زندگی می‌کنیم، بر آن تأثیر می‌گذاریم و از آن تأثیر می‌پذیریم و زندگی خود را در آن به پایان می‌بریم، قواعد آن محیط را

می‌پذیریم، درونی می‌کنیم و بر اساس آن زندگی می‌کنیم. شهرها شامل فضاهایی به عنوان محله هستند. این محلات خانه‌های همجوار افراد را در دل خود جای داده‌اند. رابطه متقابلی میان انسان و محله‌اش وجود دارد. انسان‌ها ایده، افکار و ارزش‌های خود را بر محیط القا می‌کنند و محیط نیز تأثیرات متفاوتی بر انسان می‌گذارد. با وجود این امروزه دیگر افراد محله تعلق زیادی به محله خود نداشته و محله تنها معنای مکان قرار گرفتن خانه‌هایشان را برایشان تداعی می‌کند.

دلبستگی و تعلق به محله مسکونی مبین پیوند احساسی بین افراد و محیطی است که در آن سکونت دارند. این پیوند زمینه مساعدی را برای مشارکت سازمانی، سرمایه‌گذاری و عمل جمعی ساکنان در اجتماع محلی فراهم می‌سازد. مطابق با نتایج تحقیق، میزان تعلق به محله مسکونی در میان پاسخ‌گویان در حد بالایی قرار ندارد. بررسی رابطه متغیرهای زمینه‌ای (طول مدت اقامت، مالکیت منزل مسکونی، سطح درآمد و سن ساکنان) با متغیر وابسته نشان می‌دهد که رابطه معنی‌داری با احساس تعلق محله‌ای دارند. به‌طور کلی کسانی که کمتر منزل مسکونی خود را عوض می‌کنند و همچنین افرادی که در مناطق مرفه‌تر زندگی می‌کنند، دلبستگی و تعلق بیشتری به محله مسکونی خود دارند. دلبستگی و تعلق به محله نشان‌دهنده احساس ذهنی مثبت افراد نسبت به محله مسکونی است و از پیوندهای عاطفی، شناختی و رفتاری با مکان مسکونی ناشی می‌شود که افزایش مشارکت اجتماعی، بالا بردن سطح مسئولیت‌پذیری، همکاری و خودیاری ساکنان مناطق مسکونی و شیوه کارآمدتری برای حل مسائل و بهبود شرایط زندگی را فراهم می‌کند.

هدف از انجام این پژوهش بررسی شهرگرایی و نقش آن در احساس تعلق محله‌ای بوده است. برجسته‌ترین اهمیت این پژوهش به‌زعم نگارندگان، طرح مفهوم حس تعلق محله‌ای است که می‌تواند به‌مثابه الگویی برای حل معضلات و مشکلات هویتی در بافت محلات که آسیب‌ها و مشکلات انسانی و اجتماعی جدی به دنبال داشته است، مطرح شود. بررسی و شناخت عوامل مداخله‌گر تأثیرگذار بر احساس تعلق

می‌تواند در جهت حل معضل بحران هویت در شهرها و محله‌های شهری امروزه کارساز باشد. انسان ساکن در محلات کلان‌شهرهای امروزی، با فضای محله خود مأنوس نیست درحالی‌که در تصویر ذهنی وی محله بخشی از شهر محسوب می‌شود. امروزه محله ویژگی‌های سنتی خود را ازدست‌داده و همواره احساس بی‌ریشه بودن و سرگردانی را بر انسان ساکن در آن القا می‌کند.

پیشنهادها

با توجه به اهمیت موضوع (احساس تعلق محله‌ای)، بر اساس نتایج به‌دست‌آمده پیشنهادهایی در حوزه پژوهشی و کاربردی مطرح می‌گردد:

- با توجه به آنکه در این تحقیق حس تعلق به محله در رابطه با شهرگرایی مورد بررسی قرار گرفته است، نیاز است که تحقیقات بیشتری با بررسی دیگر عوامل تأثیرگذار بر احساس تعلق محله‌ای از جمله فرهنگ ساکنان محله، امکانات مختلف (رفاهی، آموزشی و ...) در محله، کیفیت زندگی، عوامل محیطی چون فضای سبز و ... به واکاوی احساس تعلق محله‌ای پردازند.

- راهکارها و اقدامات برای بالا بردن کیفیت و رضایت شهروندان از محلات به‌منظور افزایش میزان دلبستگی و تعلق افراد به محله‌هایشان عبارت‌اند از:

- برنامه‌هایی که جمع شدن اهالی دور هم را فراهم سازد و بتواند در گسترش روابط محلی مؤثر باشد. برای مثال برنامه‌هایی که همه‌ساله توسط معاونت اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران و سازمان فرهنگی و هنری با عناوینی نظیر جشن‌ها، سمینارها، نشست‌ها، همایش‌ها، برنامه‌های مناسبی و... برگزار می‌شوند را می‌توان در جهت شکل‌گیری روابط اجتماعی، تقویت نمود.

- زیباسازی و ایجاد فضای سبز مناسب در محلات

- ایجاد امکانات رفاهی لازم و برآوردن نیازهای شهروندان در سطح محله
- فراهم آوردن امکانات تفریحی و سرگرمی چون پارک‌ها، خانه اسباب‌بازی، مسابقات ورزشی و ...
- آموزش‌های فرهنگی و فراهم کردن امکاناتی چون کتابخانه‌های عمومی در سطح محله.

منابع

- ادیبی، حسین. (۱۳۵۶)، "مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی شهری"، چاپ دوم، تهران: انتشارات شبگیر.
- اینگلهارت، رونالد. (۱۳۷۳)، "تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی"، ترجمه: مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.
- پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۷۵)، "هویت و این‌همانی با فضا"، مجله صفا، سال ششم، شماره ۲۱ و ۲۲.
- تنهایی، ابوالحسن. (۱۳۷۵)، "نظریه‌های جامعه‌شناسی"، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- چپ من، دیوید. (۱۳۸۴)، "آفرینش محلات و مکان‌ها در محیط انسان‌ساخت"، ترجمه: شهرزاد فریادی و منوچهر طبیبان، انتشارات دانشگاه تهران.
- دورکیم، امیل. (۱۳۸۷)، "درباره تقسیم‌کار اجتماعی"، ترجمه: باقر پرهام، تهران: نشر مرکز.
- رلف، ادوارد. (۱۳۸۹)، "مکان و بی‌مکانی"، ترجمه: محمدرضا نقصان محمدی و دیگران، تهران: انتشارات آرمان‌شهر.

رشد شهرگرایی و احساس تعلق محله‌ای ... ۶۱

- رهنما، محمدرحیم و محمد محسن رضوی. (۱۳۹۱)، "بررسی تأثیر حس تعلق مکانی بر سرمایه اجتماعی و مشارکت در محلات شهر مشهد"، *نشریه هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی*، دوره ۱۷، شماره ۲.

- زمردیان، امیرحسین. (۱۳۹۱)، "اهمیت پرداختن به موضوع حس جمعی در طرح‌ها و پژوهش‌های توسعه محله‌ای"، *فصلنامه جستارهای شهرسازی*، شماره ۳۹ و ۴۰.

- ساروخانی، باقر. (۱۳۸۰)، *"دایره المعارف علوم اجتماعی"*، جلد اول، چاپ سوم، تهران: انتشارات کیهان.

- شکوی‌ای، حسین. (۱۳۹۱)، *"جغرافیای اجتماعی شهرها"*، چاپ چهارم، انتشارات جهاد دانشگاهی.

- صدیق سروسستانی، رحمت آ... (۱۳۶۹)، *"جامعه‌شناسی شهری، تهران"*، جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.

- عبداللهی، مجید و مظفر صراف‌ی و جمیله توکلی‌نیا. (۱۳۸۸)، "بررسی نظری مفهوم محله و بازتعریف آن با تأکید بر شرایط محله‌های شهری ایران"، *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، شماره ۷۲.

- قاسمی، مروارید. (۱۳۸۳)، *"اهل کجا هستیم؛ هویت بخشی به بافت‌های مسکونی"*، تهران: انتشارات روزنه.

- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۸)، *"تجدد و تشخیص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید"*، ترجمه: ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.

- لینچ، کوین. (۱۳۷۴)، *"سیمای شهر"*، ترجمه: منوچهر مزینی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵.

- موسوی، یعقوب. (۱۳۸۸). "ظرفیت‌های مکان در ایجاد تعلق اجتماعی و هم‌شهروندی: با توجه به مختصات مورد نیاز منطقه ۲۲ شهری در تهران"، معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری تهران.
- موسوی، سید یعقوب. (۱۳۹۰). "محلّه نوین الگوی جامعه‌شناسی شهری از توسعه محلّه‌ای"، *منظر*، شماره ۱۸.
- Barton, Hugh. (۲۰۰۳). "Shaping Neighbourhoods": A guide for health, sustainability and vitality, Sponpress, London and New York Capital Matters. *The Journal of Community Informatics*. VolDebate. Vol ۹(۳): ۴۹۷-۵۳.
- Chavis, David. and Abraham Wandersman. (۱۹۹۰). "Sense of Community in the Urban Environment": A Catalyst for Participation and Community Development", *American Journal of Community Psychology*, ۱۸(۱):۵۵-۸۱.
- Carpiano, Richard & Hystad, Perry. (۲۰۱۰). "Sense of community belonging in health surveys: what social capital is it measuring?", health & place, doi: ۱۰. ۱۰۱۶/j. healthPlace
- Cuba, Lee. and David. Hummon. (۱۹۹۳). "A Place to Call Home: Identification with Dwelling, Community and Region", *The Sociological Quarterly*, ۳۴(۱): ۱۱۱-۱۳۱.
- Goudy, Willis. (۱۹۹۰). "Community Attachment in a Rural Region", *Rural Sociology*, ۵۵(۲): ۱۷۸-۱۹۸.
- Gottdiener, Mark. and Leslie Budd (۲۰۰۵). "Key Concepts in Urban Studies", Second Edition, London, Thousand Oaks and New Dehly: Sage publication.

- Hummon David. (۱۹۹۲). "*Community attachment: local sentiment and sense of place*", in I Altman, S M Low. (eds.). *Place Attachment*, Plenum Press, London, pp ۲۵۳-۲۷۸.
- Kasarda, John. and Morris. Janowitz. (۱۹۷۴). "Community attachment in mass society", *American Sociological Review*, ۳۹:۳۲۸-۳۹.
- Ritzer, George. (۲۰۱۱). "*Sociological Theory*". Eighth Edition New York: McGraw Hill.
- Rissman, Leonard. (۱۹۷۰). "*The Urban Process*". New York: The Free Press.
- Relph, Edward. (۱۹۷۶). "*Place and Placelessness*", pion, London.
- Simmel, George. (۱۹۶۹). "*The Metropoliton and Mental Life*", in Richard Sennet(ED). *Classic Eessays on the Culture of Cities*, New York: Meredith Corporation, pp: ۴۷-۶۰.
- Wirth, Louis. (۱۹۳۸). "Urbanism as a way of LIFE", *The American Journal of Sociology*, July, Volume XLIV, Number ۱, pp: ۱-۲۴.